

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۵/۲۵

گاه‌های آفرینشی در برخی از فرش‌های شیری فارس

آزاده پشوتنی زاده

دکتری پژوهش هنر، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

E-mail: pashootanizadeh@gmail.com

■ چکیده

است و تصویر شیر و خورشید نیز خاص دیگر نقاط ایران (اقلیم چهارم) می‌باشد. تصویر شیر و خورشید اقلیم چهارم در مطابقت‌های کیهانی و نجومی، در واقع ترجمه دیگری از شیر و گاو اقلیم سوم است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی است و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی (تصویری/ آثار هنری) صورت گرفته است تا وجوه اشتراک این مهین‌اله‌گان در جوامع کهن و ریشه‌های هنری و تصویری مشترک میان آن‌ها، مهر، تیر و بهرام مشخص شود؛ چراکه این ایزدان، بر هم تأثیر و تأثرات متقابلی داشته‌اند و نمود مینوی وظایفشان در جشن‌های آفرینش، صور فلکی و سپس بر کالبد فرش‌های شیری فارس ظهور یافته است.

واژه‌های کلیدی: ناهید، مهر، تیر، بهرام، گهنبار (جشن‌های آفرینش)، فرش‌های شیری فارس

عنصر مشترک در فرش‌های شیری فارس، شیر (نماد دلاوری) است و گاهی بدان شمشیر (نماد قدرت و جنگ)، خورشید کامل یا نیمه که تعبیری چون شمس‌الدین (خورشید دین/ لقب حضرت علی(ع)) را برایش در نظر می‌گیرند، افزوده می‌شود. علاوه بر تصویر شیر و خورشید، تصاویر حمله شیر به گاو که در هنر ایران سابقه طولانی دارد، به نحو دیگری در فرش‌های شیری فارس جلوه‌گر می‌شود. تقویم، تغییر فصول و گردش کواکب عامل تأثیرگذاری بر نمادپردازی‌های هر دوره بوده است. ایزدانوان و ایزدان خورشیدی و آبی، در آسمان و زمین، نماد خاص خود را داشته که شکل لاهوتی و ناسوتی ایشان در ارتباط با مفاهیمی همچون حرکت اجرام سماوی (مهر/ خورشید، زهره، تیر، بهرام) و حیواناتی چون شیر و گاو می‌باشد؛ از این‌روی ترکیب شیر و گاو، به لحاظ صور فلکی، خاص استان فارس (اقلیم سوم)



دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۵۵

■ مقدمه

در طول تاریخ، همواره سبک زندگی آدمیان بر نحوه نگرش و نمادپردازی‌هایش تأثیر نهاده است. اعتقاد به نیروهای ماوراءالطبیعه و تسلط بر طبیعت، اصول ادیان کهن را شکل بخشیده است. نظام دینی ایران باستان نیز بر پایه ایزدان و ایزدبانوانی قوام یافته که نه تنها دارای نیروهای مافوق بشری، بلکه در آسمان در قالب اجرام سماوی و در زمین به اشکال حیوانی شیر و گاو، کنترل طبیعت را در دست گرفته‌اند. گذر روزها و تغییر فصول به صورت جدال دائمی یا پیوستگی این نیروهای ماوراءالطبیعه به یکدیگر تعریف می‌شود. اهمیت فصل‌ها در اقتصاد و تقویم کشاورزی و دام‌پروری ایران، سبب‌ساز این طرز نگرش و نهایتاً شکل‌گیری نمادهاست. در این نوشتار، تلاش شده است ارتباط میان ایزدان و ایزدبانوان با صور فلکی و جشن‌های آفرینش تقویم ایرانی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا ریشه شکل‌گیری نمادهایی چون شیر و گاو، و شیر و خورشید بر پایه سبک زندگی و دیدگاه‌های دین‌باوری، نجوم و تقویم ایرانی مورد شناسایی قرار گیرد. با توجه به اینکه شیر، نقش غالب فرش‌های شیری فارس است، ارتباط شیر با گاه‌شماری‌های ایران در اقلیم سوم (فارس در تقسیمات هفت‌گانه نجومی) برای شناسایی معانی نهفته نمادهای فرش شیری فارس ضروری به نظر می‌رسد. این مهم با شناسایی سبک زندگی ایرانیان و اعتقادات دینی ایشان میسر خواهد شد.

آب در ایران

تقدس آب در دوران باستان همگام با مبارزه کشاورزان با خشکسالی و تقدیس ایزدبانوی ناهید است. قداست آن‌ها، عامل شکل‌گیری نمادها و ارتباطشان با صور فلکی است (پرهام، ۱۳۷۸، ۴۱). این ایزدبانو در متون پهلوی و بندهش بزرگ به صورت «آناهید اباختری»،

یعنی سیاره ناهید/ زهره (دومین از لحاظ فاصله تا خورشید و در آسمان سوم است) (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۳۲)، آمده است (بویس، ۱۳۸۱، ۷۲۴).

ایشتار و آناهیتا/ ناهید

در منابع تاریخی آمده است که مادها و پارس‌ها پیش از گرویدن به دین زرتشتی، الهه سیاره زهره/ ونوس را می‌پرستیدند (بویس، ۱۳۸۱، ۷۲۸). ایشتار در نزد مردم اکد، تجسم سیاره زهره (ناهید، آناهیتا) بود (وارنر، ۱۳۸۶، ۲۲۳). در منابع تورانی، زهره با عناوین «ایشتار»، در عهد عتیق «عشتاروت»، «عشروت» و «ناهید» آمده است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۳۴). نماد ایشتار «ستاره هشت‌پر» و «شیر» است (جلیوند صدقی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) و با سیاره ونوس همسانی دارد (فره‌وشی، ۱۳۷۴، ۱۸۷) (تصاویر شماره ۲ الف و ۲ ب).

ایزدبانوی ناهید، ایزدبانوی حمایتگری در جنگ‌ها و مؤثر بر زندگی کشاورزی و دام‌پروری است؛ از این‌رو تقویم نجومی و ثبت حرکت اجرام سماوی جزء لاینفک زندگی ایرانیان محسوب می‌شده است. در گذشته، حرکت کواکب هفت‌گانه (خورشید، ماه، زحل، مشتری، زهره، عطارد، مریخ) در منطقه البروج حرکتی مستقیم پنداشته می‌شد و هر یک از این سیارات یا کواکب برای گذار کامل از منطقه البروج به مدت زمانی متفاوت نیاز داشت. این زمان برای خورشید و دو ستاره عطارد و زهره یک سال و برای مریخ حدود دو سال خورشیدی بوده است (فرشاد، ۱۳۶۵، ۱۵۵)؛ بنابراین، خورشید و زهره و عطارد، مدار یک‌ساله دارند؛ از این‌رو، دومین ایزد آبی، تیر/ عطارد، ستاره فلک دوم، با ناهید پیوستگی تام دارد. تیر در اصل با تیشتر ایرانی مشترک است و حتی برخلاف مشهور، واژه عطارد که به نظر می‌رسد عربی باشد، به قولی از ریشه فارسی و به معنی «بهترین داور برانگیخته»

است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۶۳). وی ایزد نگهبان باران است (پیشین، ۲۶۱). اخترشماران دربارهٔ اختران اعتقاد دارند که هر اختر شکلی زمینی دارد؛ چنان‌که گاو تن، نماد زمینی تیشتر (تیر) است (محمودی، ۱۳۸۴، ۱۵۴). تجسد گاو با شاخ‌های زرین تیشتر برابر با تجسد بهرام است که البته این تقارن اتفاقی نیست (پوپ، واکرمن، ۱۳۸۷، ۹۹۱).

خورشید (مهر)

میترا صاحب چراگاه‌های وسیع است و خدای خورشید نام دارد (ماسون و پوگاکنکوا، ۱۳۸۴، ۹۹). پس از رواج آیین زرتشت، آیین بومی - ایرانی میترایسم با باورهای زرتشتی آمیخته شد و افول کرد؛ ولیکن ایزد مهر/ خورشید (میترا، خدای مذهب مهرپرستی) همراه با ایزدبانوی آناهیتا (ناهید) در دین زرتشت پذیرفته شد (بختورتاش، ۱۳۵۱، ۴۰).

شباهت مهر و ناهید در ارتباط با بهرام

آناهیتا، چشم مهر است و در اوستا نیز از میترا به‌عنوان چشم اهورامزدا یاد می‌شود (اخویان و آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ۳۲).

با خوانش آبان‌یشت درمی‌یابیم که آب و روشنایی از یک منبع و سرچشمه هستند (آبان‌یشت، بند ۹۰). بنا بر بند ۹۱ یشت‌ها، ستایش و نیایش ناهید نیز فقط باید در هنگام حضور خورشید و در روشنایی باشد که این خود نشان‌دهندهٔ ارتباط معنوی بین آب و روشنایی است (قلعه‌خانی، ۱۳۸۲، ۱۷۳). تندیسک‌هایی از ناهید هست که فرزندش مهر را روی زانو نگاه داشته و در حال شیردادن به اوست (ثمودی، ۱۳۸۷، ۶۶). بر این اساس، «مهر سوشیانس از مادرش ناهید در میان یک تیرهٔ سکایی ایرانی در شرق ایران زاییده شد» (مقدم، ۱۳۸۸، ۵۹).

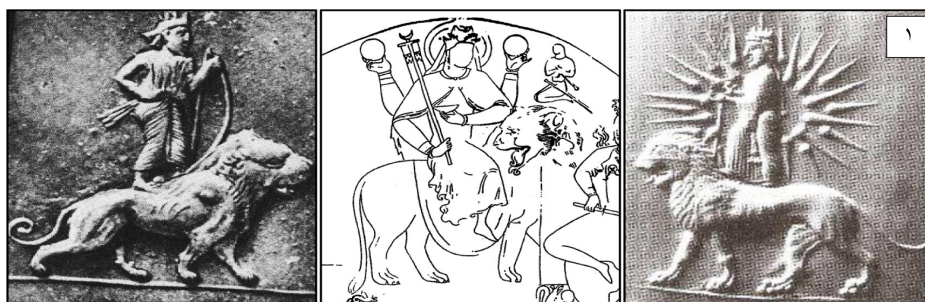
دربارهٔ ایزد مهر توصیفی رفته است که ارتباط

ناهید و مهر را دقیق‌تر توصیف می‌کند: «مهر، همیشه به پا ایستاده است، دلیری که آب‌ها را زیاد کند، باران بباراند، گیاهان را برویاند و آفریدهٔ کردگار» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۱۳۶ و ۱۳۷). بر روی سکه‌هایی که از کوشان به دست آمده، تصویر ناهید بر روی شیر نقش شده است (دوشن گیمن، ۱۳۷۵، ۲۸۴). در مهرهای آشوری و همچنین در نقاشی‌های قصر ماره (متعلق به هزارهٔ دوم)، شیر به‌عنوان یکی از متعلقات زهره تصویر شده است. در ادبیات مذهبی، زهره، شیر شرز به ماده‌شیر خدایان آسمان خوانده می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷، ۴۸۷). از طرف دیگر، شیر یکی از نمودهای مهم جانوری مهر است (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱۵). شیر در معابد میترایسم و ناهید پرورش می‌یابد؛ برای مثال، در سرزمین ایلام پرستشگاهی برای آناهیتا ساخته شده بود که در آن شیران اهلی نگهداری می‌شدند. این شیران رام‌شده، به پیشواز کسانی می‌آمدند که وارد پرستشگاه می‌شدند (عابد دوست و آیت‌اللهی، ۱۳۸۹، ۱۰۳) یا به نقل از پلینی، در شوش معبدی به نام تازارا قرار داشت که مکان مقدسی برای آناهیتا به شمار می‌رفت و شیرهای رام‌شده در آن به آزادی در رفت و آمد بودند (ثمودی، ۱۳۸۷، ۶۴) (تصاویر ۱ الف و ۱ ب).

با توجه به آبان‌یشت، یشت‌ها و دیگر متون دینی، مهر و ناهید با یکدیگر پیوستگی تام دارند. گاهی در نقش چشم هستند. گاهی ناهید، نقش مادری را برای مهر ایفا می‌کند و گاهی کرهٔ خورشید (مهر)، سرچشمهٔ ناهید می‌شود. اما در افسانه‌های بابلی قالب مهر با تموز و قالب ایشتر با ناهید مطابقت می‌یابد که گاهی مهر با خنجر بر شیر سوار است و گاهی ناهید حربه به دست، سوار بر شیر است. داشتن یک حربهٔ بران در دست مهر و ناهید، این ایزدان را به ایزد بهرام شبیه کرده است (تصویر ۱ ج). شیر که در معابد مهر و ناهید به گونه‌ای سمبولیک حضور دارد، وجه



اشتراک دیگر مهر و ناهید است. جنبه جنگاوری مهر و ناهید و بهرام، موضوع دیگری است که به آن خواهیم پرداخت. در بابل و آشور، ایشتر را غالباً حربه به دست و سوار بر شیر مجسم می‌کردند (پاکباز، ۱۳۸۱، ۹۷۳). در ایران باستان، به جز ایزد مهر، ایزد خورشیدی دیگری نیز وجود دارد که همان ورثرغنه (بهرام) است. وی در چندین صورت تجسم می‌یابد. مهم‌ترین جلوه بهرام، نگاره‌ای انسانی است با شمشیری از تیغه طلایی و با تزیینات بسیار که مشابه خنجر مهر (یا سلاح‌های دیگر) و در همان معنای رمزی است. ایزد - خورشید بهرام، در طول رواج آیین مهر همیشه یار و همراه ایزد مهر بوده است (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱۴). در اوستا نیز خویشکاری جنگاوری، از آن مهر و بهرام است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۱۳۹). پلوتارک و هرودت از ناهید به‌عنوان الهه جنگ نام برده‌اند (کارنوی، ۱۳۴۱، ۳۴).



تصویر ۱ سمت راست (الف). ایزد مهر/ میترا با شعاع‌های خورشیدگون به دور سر، سوار بر شیر، (نمادی از شیر و خورشید، شیری که خورشیدی مشعشع را بر پشت خود دارد)، موزه لندن (جذی، ۱۳۸۸، ۵۶)

تصویر ۱ میانه (ب). ایزدبانوی ناهید، سوار بر شیر، پنج‌کند (نقاشی دیوار انتهایی اتاق پذیرایی خانه‌ای شخصی)، بخش ۲۵، اتاق ۱۲ (رنه و مارشاک، ۱۳۸۱، ۸۸۸).

تصویر ۱ سمت چپ (ج). ایزد خورشیدی بهرام در قالب تصویر ایزد خورشیدی مهر/ میترا ظاهر شده است. خورشیدی بودن ایزد بهرام و یاریگری وی به ایزد مهر، مسبب تصویرسازی وی به‌صورت سوار بر شیر و مسلح می‌باشد، وگرنه نماد ایزد بهرام، شیر است (گیرشمن، ۱۳۷۰، تصویر ۵۳۹)

جدول ۱. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

مهر	ناهید	بهرام
خورشید	سرچشمه گرفتن اردیسور آناهیتا از کره خورشید	ایزد خورشیدی
*	*	*
خنجر یا حربه	*	*
*	*	*
جنگ	*	*

(منبع: نگارنده)

شباهت مهر و عطارد

خورشید در آسمان حرکت سه مرحله‌ای دارد (پرهام، ۱۳۷۱، ۲۹۸) و در آیین مهر، ایزد مهر مظهری سه‌گانه داشت؛ لذا پرستش او در بین همه طبقات اجتماعی (ارتش‌داران، روحانیان، کشاورزان و پیشه‌وران) باعث گسترش آن می‌شد (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۲۴). مشابه همین الگو را می‌توان در داستان‌های ادریس پیامبر یافت. هرمس معرب آرمس است، به معنی تیر یا عطارد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۶). هرمس نام ادریس پیغمبر است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۵۲). تقسیم زمین و نیز تقسیم آدمیان به سه طبقه (روحانیان، لشکریان و کشاورزان) به وی منسوب است (انبیاء، ۸۵). او را خداوند کشت و گله معرفی کردند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۶)؛ چنان‌که ایزد مهر در مهریشت موکل گله و دارنده چراگاه‌های فراخ است (مهریشت، بند ۲۴ و

(۶۰).

در قرآن (مریم، ۵۶) به داستان ادریس (ع) به اجمال اشاره شده است. ادریس ۳۶۵ سال در زمین بزیست. فقط یک ساعت جان از او جدا شد و آن، هنگام افطار (غروب آفتاب) بود. داستان ادریس از جهاتی روایات مربوط به مهر را به یاد می‌آورد: ۳۶۵ سال عمر، قبض روح به هنگام غروب خورشید، اهم این ارتباط‌ها را مشخص می‌کند. شاید همین شباهت‌های مختصر موجب شده است که برخی به آمیزش قصص ادریس با اساطیر مهری اشاره کنند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۷). از طرفی، ۳۶۵ عددی است که به روزهای یک سال خورشیدی و مطابق با تقویم ایرانی اشاره دارد. با در نظر گرفتن مدار یک‌ساله زهره، عطارد و خورشید/مهر، می‌توان توجیه مناسب نجومی برای این وجوه تشابه در نظر گرفت.

جدول ۲. طبقه‌بندی صور فلکی خورشید، عطارد و مریخ، همسان با تقویم کشاورزی [طبق اطلاعات فوق]

روزی	هم روزی و هم شبی [۱]	شبی
مهر/خورشید	تیر/عطارد	بهرام/مریخ و ناهید/زهره

(منبع: نگارنده)

جدول ۳. طبقه‌بندی صور فلکی خورشید، عطارد و مریخ، همسان با تقویم کشاورزی [طبق اطلاعات فوق]

خورشیدی	هم خورشیدی و هم آبی	آبی
مهر/خورشید و بهرام/مریخ	ناهید/زهره: سرچشمه‌گرفتن رود	عطارد
	اردیسورآناهیتا از کره خورشید	

(منبع: نگارنده)

ناهید، ایزد خورشیدی و آبی است و تیر، ایزد روزی و شبی است؛ اما مهر، ایزد خورشیدی و روزی است و بهرام، ایزد خورشیدی و شبی است.





تصویر ۲ سمت راست (الف). بخشی از تصویر سنگ مرز که هدیه سرزمینی در جنوب بابل می‌باشد و نگاره‌هایش نماد ایزدان است (وارنر، ۱۳۸۶، ۲۳۳ و ۲۴۹). شکل ستاره هشت‌پر نماد ناهید یا زهره است. میانی، ماه و شکل سمت راست، کره خورشید که اردیسورآناهیتا از آن به‌صورت رود/ امواج منحنی سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین، علامت چلیپای چهارپر نماد خورشید است؛ یعنی اگر نماد مشترک مهر و ناهید، شیر، حامل نماد چلیپا باشد، شیر مهری است و در غیر این صورت، شیر ناهید است. مشابه همین نمادپردازی در تصویر ایزد شمس (ایزد خورشید) که سه شخصیت کهتر، وی را تکریم می‌کنند دیده می‌شود (پیشین، ۲۳۳ و ۲۴۰). تصویر ۲ سمت چپ (ب). نماد ستاره هشت‌پر ناهید، بخشی از فرش شیري فارس، مجموعه خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

احکام کیهان و نجوم

که هر طبقه به یکی از سیارات هفت‌گانه تعلق داشته است (پیشین، ۴۵). آب نیز تحت تأثیر آبی سبعة (هفت‌اختر) قرار داشت (پیشین، ۶). علاوه بر آب، شعاع‌های خورشید نیز از هفت شعاع تشکیل یافته است که به شش بُعد فضا و بُعد فوق کیهانی مرتبط می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷، ۱۱۸).

در این تقسیمات هفت‌گانه، تقسیمات زمین را در ارتباط با هرمس/ عطارد می‌دانستند. خورشید و آب نیز با اجرام هفت‌گانه سماوی مرتبط بودند. به طور کلی، عطارد/ ایزد تیر، خورشید/ ایزد مهر، آب/ ایزدبانوی ناهید/ سیاره زهره که هر سه مدار یک‌ساله دارند، با تقسیمات هفت‌گانه مرتبط‌اند که در جدول شماره ۴ به اختصار آمده است.

ابوریحان راجع به تقسیمات هفت‌گانه زمین می‌نویسد: از پارسیان تقسیم‌بندی خاصی موجود است که بانی آن را هرمس حکیم می‌دانند. آن‌ها زمین را به هفت قسمت کرده و هریک را کشور می‌نامیدند که به‌صورت دایره‌هایی به هم متصل بودند (بیرونی، ۱۳۱۶-۱۳۱۸، ۱۹۶). علاوه بر آن، ایرانیان تقسیمات هفت‌گانه را برای اختران و آب و خورشید نیز قائل بودند.

هفت‌اختر شامل ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل است که هرکدام در یک طبقه از آسمان قرار دارند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۷۹). از دوره ساسانی مسئله هفت‌طبقگی آسمان مطرح می‌شود

جدول ۴. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

	روزی	خورشیدی	شبی	آبی	سه‌طبقگی مردم	زمان یک‌ساله گذار از منطقه البروج	دارای تقسیمات هفت‌گانه	نماد زمینی
ناهید (زهره)	*	*	*	*	*	*	*	شیر (بی‌علامت) [۲]
تیر (عطارد)	*	*	*	*	*	*	*	گاو
مهر (خورشید)	*	*	*	*	*	*	*	شیر (با چلیپای چهارپر)
بهرام (مریخ)	*	*	*	*	*	*	*	گاو

(منبع: نگارنده)

ابتدا به تقسیمات هفت‌گانه زمین می‌پردازیم. قدما [۳] زمین را از پهنا (عرض جغرافیایی) به هفت قسمت کرده‌اند که از شرق به غرب کشیده شده‌اند و شمال یکی، جنوب دیگری است و معتدل‌ترین آب و هوا را در اقلیم چهارم نام برده‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲۰).

تقسیمات هفت‌گانه زمین (اقلیم‌های هفت‌گانه) به سیارات و ستارگان مرتبط و رؤیت فلکی در آسمان، مربوط به گردش وضعی و انتقالی زمین است؛ چنان‌که بعضی از دانشمندان، از جمله مسعودی، هفت اقلیم را منسوب به سیاره‌ها و ستاره‌ها دانسته‌اند. عادت انتساب این اقلیم به صور فلکی و سیارات این بوده که این صور فلکی با این سیارات در این اقلیم بهتر و واضح‌تر دیده می‌شده‌اند؛ برای مثال برای اقلیم سوم گفته‌اند که برج آن تیر و ستاره آن عطارد است که منظور از برج، صورت فلکی است که زمین از مقابل آن عبور می‌کند و ظاهراً باید علت امر آن باشد که صورت فلکی سرطان (تیر) در اقلیم سوم بهتر دیده می‌شده است و سیاره عطارد نیز در این ماه از این صورت فلکی عبور می‌کرده است. در کتب مختلفی مانند مروج الذهب و

التنبیه و الاشراف آمده است که اقلیم سوم منسوب به برج سرطان (تیر) و ستاره عطارد بوده (گهنبار تیر و آفرینش آب) و اقلیم چهارم منسوب به برج اسد و ستاره آن خورشید است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲۲ و ۲۳).

نمونه‌ای از پیوستگی ناهید با صور فلکی و تفاوت آن در اقلیم سوم و چهارم را می‌توان در معابد ناهید یافت:

در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر نسا (عشق‌آباد) [اقلیم چهارم] معبد آناهیتا با ابعاد بیستمتری (همسان با ستاره‌های بیست‌گانه برج اسد) در کلات پنج‌گوش همسان با پنجمین ماه سال (شیر) بر مطابقت‌های نجومی صحنه می‌گذارد؛ [۴] اما معبد آناهیتای ساسانی در بیشاپور فارس [اقلیم سوم] با اضلاع چهاردهمتری (مضرب دو/ به سبب دیوار دوجداره معبد، برای هفت ستاره برج سرطان) با نماد گاو که نماد تیر/ عطارد و بهرام است، آذین شده (ثمودی، ۱۳۸۷، ۳۲ و ۳۳). با توجه به نوشتار فوق می‌توان جدول شماره ۵ را نتیجه گرفت.

جدول ۵. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

اقلیم	ستاره یا سیاره	نماد ستاره یا سیاره	ماه	گهنبار	نماد تصویری
چهارم	خورشید/ مهر	شیر	مرداد	؟	شیر و خورشید [۷]
سوم	عطارد/ تیشتر	گاو	تیر	آفرینش آب	شیر و گاو

(منبع: نگارنده)



حال باید به این مسئله پرداخت که نقش شیر و خورشید چگونه شکل گرفته است و چرا به فرش‌های خطه فارس ورود یافته‌اند؟ جواب این مسئله در تفاوت میان اقلیم‌های سوم و چهارم است که به لحاظ تقسیمات جغرافیایی متفاوت‌اند. فارس در اقلیم سوم قرار دارد. یعنی تصویر شیر و گاو در تخت‌جمشید (گهنبار آفرینش آب) معادل تصویر نجومی و زمان تقویمی شیر و خورشید در دیگر نقاط ایران آن زمان بوده است و پس از آن نیز نقش شیر و خورشید استمرار یافته و به حیات خود ادامه داد. در تصاویر ۱۲ و ۱۳ که البته هر دو (ری و کلاردشت مازندران) مربوط به نواحی اقلیم چهارم هستند، الگوی اولیه شکل‌گیری نقش شیر و خورشید دیده می‌شود.

بین اقلیم سوم و چهارم در مورد طول سایه اختلافی به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در اقلیم سوم، حد شمالی آن دارای طول سایه‌ای برابر با ۴ و ۱۵/۱۰ گام منظور شده است، در صورتی‌که باید با یکدیگر برابر باشند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۵۹). این در حالی است که شیر (برج اسد/ مرداد) و ستاره آن (خورشید) در اقلیم چهارم صحیح است؛ در صورتی‌که در اقلیم سوم، تیر/ عطارد و برج آن تیر صحیح و بیانگر گهنبار تیر و آفرینش آب خواهد بود. اقلیم سوم شامل چین، ترکستان، بخشی از هند، سند، کابل و قندهار، جنوب ایران (سیستان و کرمان، پارس/ فارس، سپاهان، اهواز/ خوزستان)، بصره، کوفه، عراق، شام، مصر، اسکندریه، مغرب، طنجه و دریای محیط می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲۶).

این اشتباه از آنجا رخ می‌دهد که فارس در اقلیم سوم و باقی قسمت‌های ایران در اقلیم چهارم [۵] قرار دارد؛ البته تقسیمات دیگری از مقدسی و اصطخری وجود دارد که در آن‌ها نیز خطه فارس از باقی ایران جدا شده و به‌عنوان اقلیم عجمی معرفی گردیده‌اند. برای مشخص شدن گاه‌های آفرینش (گهنبارها)،

نیاز به شناسایی تقویم پیش از اسلام و معرفی زمان هر گهنبار می‌باشد.

تقویم و روزها

در گاه‌شماری یزدگردی، نام هر روز از ماه به نام خدا یا فرشته‌ای یا سیاره‌ای که خوب است، اختصاص یافته و اصلاً هفته وجود نداشته است (صفی‌پور، ۱۳۸۸، ۵۳). چون مرکز خورشید با مرکز زمین فاصله دارد، مقادیر فصول سال باهم متفاوت است و اگر مرکز هر دو یکی بود، هر چهار ربع باهم مساوی بود (داناسرشت، شهریور ۱۳۵۰، ۷۰). بنابراین، در فصل اول و نندیداد، بند ۴ آمده است: «در آریاویش پنج ماه زمستان است. در آنجا کانون زمستان است.»

در کتاب پهلوی بندهش، فصل بیست‌وپنجم، فقره هفتم آمده است: «از هرمزد روز در فروردین ماه تا انیران روز در مهرماه، هفت ماه تابستان است و از هرمزد روز در آبان‌ماه تا انیران روز در اسفندماه و انجام پنجه وه، پنج ماه زمستان است» (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۲۷).

در طول تابستان بزرگ، سه گهنبار (جشن آفرینش: آسمان، آب و زمین) برگزار می‌شود: یک گهنبار (جشن آفرینش گیاه) در تغییر فصل برگزار می‌گردد که از اتمام تابستان بزرگ و آغاز زمستان بزرگ خبر می‌دهد؛ دو گهنبار دیگر (جشن آفرینش: جانور و انسان) در زمستان بزرگ برگزار می‌شود که البته گهنبار آفرینش انسان متعلق به پنج روز آخر سال (کبیسه) است.

گهنبارها، گاه‌های آفرینش

گاهنبار یا گهنبارها، جشن‌های آفرینش هستند (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۳۱).

اهورامزدا در سنت مزدیسنا، جهان را در شش مرحله بیافرید و در مدت یک سال. پس از هر مرحله آفرینش، اهورامزدا پنج روز می‌آسود و آنگاه مرحله

بعد آفرینش آغاز می‌شد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۵۳ و ۵۴). همچنین در روایات اسلامی هست که خداوند جهان را در شش روز آفرید (هود، ۷).

۱. میدیوزرم گاه (آفرینش آسمان): در چهل و پنجمین روز سال، شروع از روز خور تا دی به مهر در ماه اردیبهشت؛

۲. میدیوشهم گاه (آفرینش آب): در صد و پنجمین روز سال، شروع از روز خور تا دی به مهر در ماه تیر؛

۳. پیتیه‌شهم گاه (آفرینش زمین): در صد و هشتادمین روز از سال، شروع از روز اشتاد تا انارام در ماه شهریور؛

۴. ایاسرم گاه (آفرینش گیاهان): در دوست و دهمین روز از سال، شروع از روز اشتاد تا انارام در ماه مهر؛

۵. میدیاریم گاه (آفرینش جانوران): در دوست و نودمین روز سال، شروع از روز مهر تا ورهرام در ماه دی؛

۶. همس پت میدیم گاه (آفرینش انسان و برابری روز و شب): در سیصد و شصت و پنجمین روز از سال،

کیسه آخر سال و ماه اسفند (فلاح، ۱۳۸۲، ۵۶).

میدیوشهم گاه، دقیقاً میانه تابستان بزرگ است. پیتیه‌شهم گاه، بدون احتساب کیسه، دقیقاً میانه سال

است. ایاسرم گاه، پایان تابستان بزرگ و تغییر فصل به زمستان بزرگ (میانه سال در تقویم کشاورزی)

است. میدیاریم گاه، دقیقاً میانه زمستان بزرگ است (هفتاد و پنج روز از زمستان بزرگ سپری شده، پنج روز

گهنبار برگزار می‌شود و پس از اتمام گهنبار، هفتاد و پنج روز دیگر تا انتهای سال مانده است).

شیر در فرش فارس

شیر در فرش فارس به پنج صورت دیده می‌شود:

الف. شیر با خورشید کامل و شمشیری در دست؛ ب.

شیر با خورشید نیمه؛ ج. دو شیر در مقابل یکدیگر به

همراه نمادی از ناهید؛ د. شیر بزرگ‌تر از گاو یا بز،

قرار گرفته در پشت سر وی؛ ه. شیر تنها [با شمشیر

یا بدون آن].

درباره شیر و فرم نمادین آن، در ادوار پیش از

اسلام به تفصیل سخن رفت، اما در ادوار اسلامی،

شیر معانی متفاوتی می‌یابد؛ مثلاً در عصر صفویه،

استفاده نمادین از خصایص و نمادهای شیر را به

حضرت علی (ع) [۶] منسوب می‌دانستند (طاهری و

حسامی، ۱۳۹۰، ۴) و دلایلی از این قبیل که چون امام

اول از جنگاوران تراز اول اسلام بودند و در اسلام

به‌ویژه در بین شیعیان به اسدالله (شیر خدا) و حیدر

کرار (شیری که دمنده است) مشهور و ملقب است،

قید می‌کردند. بدین ترتیب نگاره‌های این امام، همان

شیر نشسته و شمشیری بر دست، کشیده می‌شد و

هنوز هم گاهی این نقش دیده می‌شود. شیر و خورشید

بیانگر جنگاوری و زورمندی این امام است. سیف‌الله

(شمشیر خدا) نیز یکی دیگر از القاب علی ابن ابیطالب

می‌باشد. این نگاره رفته‌رفته تغییراتی یافت: نگاره امام

به خورشید بدل گشت، آن‌هم به این دلیل که امام اول

به شمس‌الدین، یعنی خورشید دین نیز خوانده می‌شد

و شمشیر به دست شیر افتاد که کرار و خروشان بودن

آن را بیشتر نمایان می‌سازد (نوری، ۱۳۷۸، ۳۸). گاهی

نیز این نشانه را با برخی از قصص و روایات دینی

مشابهت می‌دهند و آن را به سلیمان و دانیال نبی (ع)

که مظهر اقتدار و حشمت است، منسوب می‌کنند

(یاحقی، ۱۳۸۶، ۵۳۵).

این نمونه از شیر و خورشید کامل، یکی از

گونه‌های رایج فرش شیر و خورشیدی فارس را

تشکیل می‌دهد. اگر این نماد نمودگار معنایی از

بزرگان شیعه (به‌ویژه قدرت علوی) یا به حضرت

سلیمان (ع) و دانیال نبی (ع) مرتبط است، پس چرا

باید بر فرش‌هایی که به زیر پا انداخته می‌شوند نقش

بندد؟ این تعبیر حداقل برای نقش‌های فرش فارس

نمی‌تواند صادق باشد؛ چراکه حفظ حرمت بزرگان

شیعه و پیامبران واجب است.



در منابع موثق دیگر راجع به نقش شیر و خورشید نیمه، به همراه شمشیر یا بدون آن آمده است. در ادوار بعد از صفویه، خورشید به صورت نیم دایره و چسبیده به پشت شیر ترسیم شده است که این امر را هم معلول شتابکاری نقاشان دانسته‌اند. در دوره قاجاریه، شیر با شمشیری که نشانی از ذوالفقار حضرت علی (ع) است، تصویر می‌گردد (پیشین، ۵۳۴).

این نمونه نیز در فرش فارس مشاهده می‌گردد که بازهم با همان مشکل بی‌حرمتی به بزرگان دین مواجه می‌شویم.

شیر و خورشید بر سکه‌های غیاث‌الدین کیخسرو، پادشاه سلجوقی، نقر شده بود و سکه‌زنان نیز کم‌کم خورشید را پایین‌تر آورده و به صورت نیم دایره به پشت شیر چسبانیدند. پس از وی نیز غازان‌خان و سلطان محمد خدابنده تولید سکه‌های شیر و خورشید را ادامه دادند که در برخی از آن‌ها خورشید کامل و در برخی نیم دایره و به پشت شیر چسبیده است (کسروی، ۲۵۳۶، ۱۰۶).

نظریه‌ای دیگر نیز صورت فلکی شیر و خصوصیات ویژه منطبق با نشانه‌های ستاره‌ای آن، یعنی خورشید را مطرح می‌سازد (بیکرمن و ویلی، ۱۳۸۴، ۵۴). اما آنچه مسلم است، ترکیب تصویر شیر با نشانه ستاره‌ای یا چلیپا، سابقه دیرینه‌ای در ایران دارد که البته این نظریه در مبحث احکام کیهان و نجوم، اقلیم سوم و چهارم مورد بررسی قرار گرفت. حال باینکه می‌دانیم فارس در اقلیم سوم است و قاعدتاً باید نماد شیر و گاو/گرفت و گیر را مورد استفاده قرار دهد، چرا نقش شیر و خورشید اقلیم چهارم (دیگر نقاط ایران) در فرش‌های فارس نفوذ کرده است؟

نوشته‌هایی که در رابطه با نقش شیر و گاو/گرفت و گیر موجودند، از این نماد، تعبیری چون تابستان بعد از زمستان، اعتدال ربیعی یا سال نو داشته‌اند (پوپ و اکرم‌ن، ۱۳۸۷، ۹۹۱)؛ در صورتی که با توجه به معانی

نمادین شیر و گاو و ارتباطشان با معانی کیهانی، صور فلکی و مضامین دین مزدیسنا، تعبیر متفاوتی از الگوی شیر و گاو/گرفت و گیر می‌توان برداشت کرد. شیر و گاو به عنوان الگوی اولیه و بومی فارس برای نقوش فرش‌های شیری فارس است. این نقش به نحوی نشان‌دهنده تقویم و پنج جشن از جشن‌های آفرینش می‌باشد. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌گردد که تقویم خراجی را مورد بررسی قرار دهیم. تنها آخرین گهنبار (جشن آفرینش انسان) است که در پنج روز آخر سال (کیسه) برگزار می‌شده و دارای نمادپردازی نیست؛ چراکه به شهادت تاریخ، ادوار بسیاری در ایران، کیسه را در گاه‌شماری‌های خویش محسوب نکردند. علاوه بر آن، در این پنج روز، هیچ‌گونه محصولی برداشت نمی‌شد و زمان خراج نبوده است. از این بابت می‌توان گفت مفهوم قالی‌های شیری فارس، هیچ ارتباطی به پیامبران و مقدسان ندارد. تنها تقویم و زمان‌های برداشت محصول و خراج را نشان می‌دهد. شواهد و مدارک تاریخی دال بر این است که در فارس، دقیق‌ترین زیج (گاه‌شماری) موجود بوده که به زیج اشرافی شهرت داشته است. در این زیج ترتیب و طول ماه‌های یزدگردی صحیح بوده است. این تقویم همان تقویم اصلی خراجی بوده که تا اوایل دوره اسلامی و پیش از آن رواج داشته است. اما پس از آنکه تقویم قمری، مورد استفاده حکام اسلامی قرار گرفت، سال با کاستی روزها مواجه شد و این بود که زمان دریافت خراج‌ها (تقویم خراجی: بر اساس چهره‌های گهنبار/زمان برداشت محصول تنظیم شده بود) با زمان برداشت محصول همخوانی نداشت؛ از این روی، کشاورزان برای پرداخت خراج سالیانه خود با مشکل مواجه می‌شدند (عبداللهی، ۱۳۶۱، ۴۹). از این بابت طبیعی است که تا زمانی که تقویم خراجی و زیج صحیح در فارس موجود بوده است، تنها به تصویر شیر و گاو که انتهای تابستان بزرگ

و آغاز زمستان بزرگ را نشان می‌دهد (میانۀ سال کشاورزی، ۷ ماه تابستان بزرگ و ۵ ماه زمستان بزرگ) اکتفا می‌کردند؛ اما پس از آن و در ادوار اسلامی، به جهت استفاده از تقویم قمری، کشاورزان با مشکل مواجه می‌شدند و نمادهای شیری به همراه خورشید یا شمشیر بر صحنۀ فرش‌های فارس جلوه‌گر شده است. این نمادپردازی‌ها، به جهت یادآوری فصل‌های برداشت که در قالب جشن‌های آفرینش نظام یافته‌اند، شکل گرفته‌اند. با توجه به جدول شماره ۴، می‌توان هر دوره از گهنبار را در قالب شیر مهر یا شیر ناهید در ترکیب با گاو مهر یا گاو ناهید در نظر گرفت. خورشیدی یا آبی، روز یا شبی بودن هر کدام اهمیت فراوان دارد.

الف. شیر مهری و گاو تیر: گهنبار میدیوشهم گاه (آفرینش آب)، میان تابستان بزرگ، تیرماه. از روز «خور» به معنای خورشید/مهر شروع می‌شود تا روز دی به مهر ادامه دارد. نماد: شیر و خورشید کامل [به نشانه اوج گرما

در میانۀ تابستان] با خنجر تصویر می‌شود. این گهنبار دقیقاً بعد از جشن تیرگان [۷] قرار دارد. در این تصویر به جهت آنکه شیر مهری، روزی است و گاو تیر هم روزی است (در این زمان از سال روز به طولانی‌ترین شکل خود می‌رسد و شب، کوتاه می‌شود)، خنجر/شمشیر در دست شیر مهری قرار می‌گیرد؛ به جهت آنکه ۱. روز طولانی است و در تیرماه، خورشید به اوج گرمای خود می‌رسد، بنابراین گاو تیر حذف می‌شود. [با در نظر گرفتن اسطوره کشته شدن گاو به دست شیر مهری، می‌توان گفت که چون گاو به دست شیر مهری و با خنجر مهری کشته شده است، یا به جهت آنکه خورشید و تیر دارای مدار یک‌ساله هستند و تیر، درخشان‌ترین ستاره است، خورشید کامل، نقش تیر را هم به عهده گرفته است. از این‌رو، گاو تیر حذف شده]؛ ۲. حضور خورشید کامل بر پشت شیر، تداعیگر اولین روز آغاز این گهنبار، روز «خور» و جایگزین چلیپا (صورت نمادین خورشید) می‌باشد (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۳ و ۴. شیر مهری به همراه خورشید کامل با خنجر یا شمشیر. بخشی از فرش شیری فارس، مجموعه خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

ب. شیر مهری و گاو بهرام [۸]: گهنبار میدیاریم گاه (آفرینش جانوران)، میان زمستان بزرگ، دی ماه. از روز مهر شروع می شود و تا روز بهرام / وره رام ادامه می یابد.

نماد: شیر و خورشید نیمه [به این علت که ایزد بهرام، ایزد شبی است و با کامل بودن خورشید مغایرت دارد] با خنجر مهری در دست شیر به نشانه جنگ [۹] یا بدون خنجر دیده می شود (تصویر ۵ و ۶). نقش چلیپا بر بدن شیر مهری، جایگزین شیر و خورشید نیمه با خنجر / شمشیر است (تصویر ۵ و ۶). معمولاً تعداد چلیپاها، پنج عدد است تا نماینده پنجمین ماه سال (مرداد) و ستاره برج مرداد (خورشید) باشد. در این گهنبار، شیر روزی مهر بر گاو شبی بهرام پیروز می شود و به این علت است که در این زمان از

سال، شب کوتاه می شود و به طول روز افزوده می گردد. سرمای بسیار در این بخش از سال حکم فرماست و بنابراین، خوانش ایزدان خورشیدی برای گرم کردن زمین و یخ زدن محصولات در تقویم کشاورزی، به همراه کمک به جانوران در تقویم دام پروری، ضروری می باشد؛ لذا خنجر ۱. در زمان جنگ [۱۰] تصویر می شود و تأکیدی است بر مبارزه ایزدان خورشیدی با سرمای بی امان میانه زمستان بزرگ؛ ۲. خنجر و پیروزی وجه مشترک مهر و بهرام است و گاو به سبب خنجر در نماد کشته شدن گاو با خنجر ایزد مهر از تصویر حذف می گردد؛ ۳. اگر شیر دارای نقش چلیپای مهری نباشد، خنجر به قرینه نماد دیگر مهری، جایگزین می شود (همانند تصویر ۶).



تصویر ۵ و ۶ شیر به همراه خورشید نیمه که البته فقط در تصویر شماره ۶ شمشیر وجود دارد. بخشی از فرش شیری فارس، مجموعه خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

ماه تابستان بود، به گونه ای میان سال زراعی محسوب می شد، مهرماه (آغاز بارش موسمی و اعتدال آب و هوایی / اعتدال خریفی. ناهید، ایزد آبی و خورشیدی، و تیر ایزد آبی است).

نماد: شیر و گاو [چون شیر ناهید علامت ندارد (بدون چلیپا)، به همان صورت شیر و گاو تخت جمشید نشان داده می شود] (تصویر ۸ و ۹).

بر پشت شیر مهری در تصویر شماره ۵، پنج علامت چلیپا به نشانه همخوانی ماه پنجم سال (مرداد) با فرم خورشید وجود دارد (نماد اقلیم چهارم که البته فارس، در اقلیم سوم قرار دارد).

ج. شیر ناهید و گاو تیر [۱۱]: گهنبار ایاسرم گاه (آفرینش گیاه)، اتمام تابستان بزرگ و شروع زمستان بزرگ. در واقع به دلیل اینکه پنج ماه زمستان و هفت



تصویر ۸. شیر گاوآوژن / گرفت و گیر، بخشی از فرش درختی حیوان دار، اواسط قرن چهاردهم، ۵۰ رج، ۲۱۰ * ۱۴۰ سانتی متر، موزه فرش ایران، تهران (منبع: نگارنده)



تصویر ۷. شیر گاوآوژن / گرفت و گیر، نقش برجسته پلکان شرقی آپادانا.



تصویر ۹. طاووس مرغ آناهیتاست. (موسوی لری، ۱۳۸۹: ۱۱۸) و طبری نیز به آتشکده‌ها و معابد ناهید در دیانت زرتشتی که تا قرن سوم هجری (صدر اسلام)، باقی بوده‌اند، اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: در نزدیکی آتشکده‌ی بخارا مکان خاصی برای نگهداری طاووس‌ها اختصاص داده شده بود و در آنجا از طاووس‌ها نگهداری می‌کردند. (M. Golfer, 1986: P. 131)
چون در آفرینش گیاه، شیر ناهید باید حضور داشته باشد، از این بابت حضور طاووس / نماد ناهید کنار شیر ناهید قرار دارد و گل در قسمت پایین تصویر، نماد آفرینش گیاه می‌باشد. مشخصات تصویر: فرش شیری فارس، مجموعه‌ی خصوصی آقای محسن جوانمردی، (منبع: نگارنده)

میان تیر و بهرام مشترک می‌باشد؛ بنابراین بافندگان، نزدیک‌ترین نماد به گاو، یعنی بز را که یکی دیگر از تجسدهای ایزد بهرام است، در نظر می‌گیرند) (تصویر ۱۱).

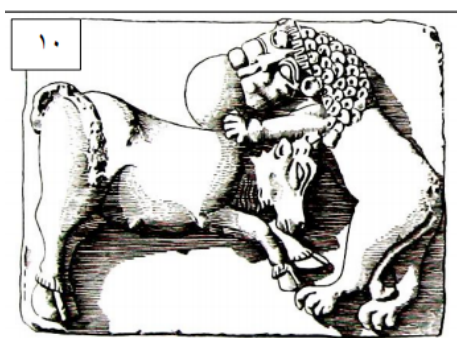
قرص موجود در دهان شیر ناهید، تغییر شکل یافته ستاره هشت‌پر ناهید است [۱۲] که مابین دهان شیر ناهید و پشت گاو بهرام قرار دارد. اما از جهتی چون شیر ناهید آبی هم هست، این تصویر نویدبخش، آغاز

د. شیر ناهید و گاو بهرام: گهنبار پیت‌ه‌شهم گاه (آفرینش زمین)، دقیقاً میان سال (۳۶۰ روز سال + ۵ روز کیسه = ۳۶۵ روز که به جهت حذف کیسه، تنها ۳۶۰ روز محاسبه می‌گردیده و این گهنبار در صد و هشتاد و هشت روز سال برگزار می‌شود)، شهریورماه. نماد فرش شیری: شیر ناهید در اندازه بزرگ‌تر در پشت سر گاو / بز بهرام (به این دلیل بز را انتخاب می‌کنند که با گاو تیر اشتباه نشود، چراکه نماد گاو،

بارندگی یا خنک شدن هوا در آینده نزدیک می باشد. با توجه به تصویر شماره ۱۰ (گاو بهرام)، در قیاس با تصویر شماره ۷ (گاو تیر)، حالت تهاجمی تری به شیر ناهید دارد؛ گویا تأکیدی است بر مقاومت گرما و خورشید توسط ایزد خورشیدی بهرام؛ چراکه طبق تقویم ایرانی، هنوز یک ماه تا انتهای تابستان بزرگ

باقی مانده است.

چون شیر ناهید علامت ندارد، به همان صورت شیر و گاو نشان داده می شود، اما ستاره ناهید (زهره) به صورت گوی گرد در دهان شیر بر نقش برجسته ساسانی ظهور می یابد (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. تندیس شیر در حال نبرد با گاو (شیراوژن / گرفت و گیر)، در گچبری دیوار کاخ ساسانیان نزدیک کیش، متعلق به موزه پنسیلوانیا (منبع: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۷۳۷)

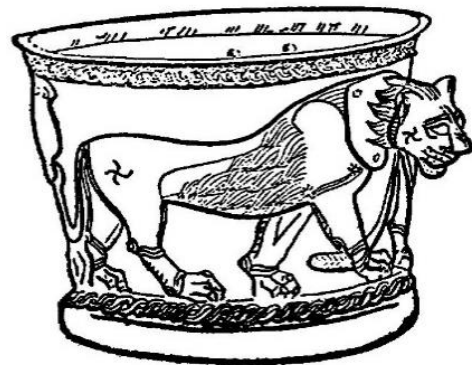
در این تصویر، علامت چلیپا به نشانه حضور ایزدان خورشیدی (ناهید و بهرام) در کل پس زمینه تصویر وجود دارد؛ اما بر بدن شیر، چون شیر ناهیدی است و نه مهری، علامت چلیپا وجود ندارد. علاوه بر آن، به جای گاو بهرام، چیزی شبیه به بز طراحی شده است. در «بهرام یشت» فرشته بهرام به ده گونه: باد تند، گاو ورزا، اسب سفید، شتر سرمست، گراز نر، جوان پانزده ساله فروغمند، شاهین بلندپرواز، میش یا گوزن پیچیده شاخ، بز زیبا، مرد دلیر رایومند، خود را به زرتشت نمایانده است (بهرام یشت، بند ۱۹)؛ پس در اینجا حضور بهرام در قالب بز که نزدیک ترین نماد به گاو است، ظهور یافته. شیر ناهید بزرگ تر ترسیم شده است که نویدبخش آغاز باران در آینده نزدیک است. طاووس نماد ناهید است که به همراه ستاره هشت پر ناهید (زهره) به نشان حمایت از شیر ناهید بر زیر پای شیر ترسیم شده است.



تصویر ۱۱. بخشی از فرش شیرای فارس، مجموعه خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

ه. گهنبار میدیوزرم گاه (آفرینش آسمان): میان بهار یا آغاز گرما و تابستان بزرگ، اردیبهشت‌ماه، چهل و پنجمین روز سال. نماد: شیر، به جهت اینکه از روز «خور» شروع می‌شود و تا روز دی به مهر ادامه می‌یابد. در وصف واژه «دی» و «خور» آمده است: روز یازدهم هر ماه، خیر یا خور روز است و به نام خورشید موسوم است. به قول بیرونی، دی که نام ماه دهم هر سال است، «خور ماه» نیز نامیده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۳۸)؛ بنابراین،

شروع گهنبار میدیوزرم گاه (آفرینش آسمان)، در روز خور (خورشید) و انتهای آن نیز در روز خورشید مهری (دی به مهر) است. علاوه بر آن، به جهت آنکه خورشید در دیانت زرتشتیان بلندمرتبه‌ترین جایگاه را در آسمان داراست، شیر مهری به تنهایی یا به همراه خنجر مهری یا شیر و خورشید (خورشید، خلاصه‌شده علامت چلیپاست که از ران شیر به بالای آن صعود کرده است [۱۲]) به نماد آفرینش آسمان بر فرش‌ها دیده می‌شود (تصاویر ۱۲ تا ۱۵).



تصویر ۱۲. جام زرین کلاردشت، مازندران، نیمه نخست هزاره اول پ.م، قطر دهانه دوازده سانتی متر، قطر کف ده سانتی متر، محل نگهداری: موزه ملی ایران، (منبع: اکبرزاده، ۱۳۹۱: ۱۹) در نمونه‌های بسیاری از آثار یافته شده، تصویر شیرانی موجودند که روی ران شیر علامت ستاره یا چلیپا قرار گرفته است. گیرشمن عقیده دارد، این نشان ویژه‌ای بود که بر حیواناتی که در باغ وحش شاه بزرگ نگهداری می‌شدند، داغ می‌کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۳۰۷) اگر علامت چلیپای منقور بر شیران، نشانه‌ی باغ وحش شاهی باشد؛ چگونه است که گاهی علامت چلیپا از بدن شیر جدا شده و به پشت وی رفته است؟ معادل تصویر شماری دوازده (به لحاظ جایگاه قرار گیری چلیپا) را می‌توان در تصویر شماری پنج فرش فارس با پنج چلیپا بر پشت شیر، دید.



تصویر ۱۳. نقش شیر بر بشقاب، ری، سده چهارم. بشقاب لعابداری مربوط به سده چهارم هجری در شهرری بدست آمده است که بر روی آن پیکره شیرینی نقش شده که دم پشم آلود و دست راست خود را بلند کرده است و بر بالای نقش شیر نزدیک سر جانور، نگاره‌ای دیده می‌شود نقش چلیپاست که شاخه‌های آن به داخل پیچانده شده است. (بختورتاش، مرداد و شهریور ۱۳۵۱: ۸۷) معادل تصویر شماره سیزده (به لحاظ جایگاه قرار گیری چلیپا) را می‌توان در تصویر شماره یازده فرش فارس با نقش چلیپا بر زمینه فرش، جایی که شیر ایستاده است، دید.

و. به دلیل ناپایداری کیسه در تقویم پیش و پس از اسلام: برای گهنبار همس پت میدیم گاه (آفرینش انسان و برابری روز و شب)، نمادپردازی نشده است.





تصویر ۱۴ و ۱۵. شیر تنها و شیری با شمشیر. فرش شیری فارس، مجموعه خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

شیر هم نماد مهر است و هم ناهید، گاو هم نماد تیر است و هم بهرام. از جهتی چون در این مجسمه مقدار بدن شیر و بدن گاو با هم برابر و یکسان است، از این روی می‌توان برابری شب و روز را استنباط نمود و گاه آفرینش انسان در نظر گرفت.



تصویر ۱۶. موجودی با یک بدن و دو سر گاو و شیر، موجود ترکیبی شیر و گاو، از جنس برنز، قدمت: ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش، محل نگهداری: موزه هنر کیلوند. (منبع تصویری: <http://jashnhaz.blogfa.com/1390/10>)

هر دو جدول ذیل، خلاصه‌شده مبحث شیر در فرش فارس است.

جدول ۶

آفرینش آب	آفرینش جانوران	آفرینش گیاه	آفرینش زمین	آفرینش آسمان	آفرینش انسان
شیر مهر *	*			*	*
شیر ناهید		*	*		*
گاو تیر *		*			*
گاو بهرام	*		*		*

(منبع: نگارنده)

جدول ۷

آفرینش آب	آفرینش جانوران	آفرینش گیاه	آفرینش زمین	آفرینش آسمان	آفرینش انسان
پیش از اسلام با تقویم صحیح کیسه‌دار	شیر مهر و گاو تیر	شیر ناهید و گاو تیر	شیر ناهید و گاو بهرام	شیر مهر با چلیپا	شیر (مهر یا ناهید) و گاو (تیر یا بهرام)
ادوار اسلامی برطبق تقویم قمری یا حذف کیسه در فرش فارس	شیر و خورشید	شیر و گاو	شیر و گاو	شیر و خورشید	-
	شیر و خورشید کامل با شمشیر	شیر و نیمه (با شمشیر یا بدون آن)	دو شیر روبه‌روی هم، به همراه نماد ناهید	شیر تنها (با شمشیر یا بدون آن)	بدون نماد، به جهت حذف کیسه

(منبع: نگارنده)

چهارمین ماه از دوازده ماه سال به تیر موسوم است. تیر (عطارد) ایزد آبی و یاور ناهید است که در کوزه آب قرار دارد و دستهایش را بالا آورده تا شیر ناهید و گاو بهرام را از ایزد خورشیدی بهرام (به نشانه تأکید و مداومت گرما) بگیرد. از آنجا که شیر ناهید و گاو بهرام نماد گهنبار پیته‌شهیم‌گاه (آفرینش زمین) است و در شهریور ماه برگزار می‌گردد؛ لذا، حضور ایزد تیر/ عطارد برای دریافت شیر ناهید و گاو بهرام، بیانگر انتقال شهریور ماه و گهنبار پیته‌شهیم‌گاه (آفرینش زمین) به مهر ماه و برگزاری گهنبار ایاسرم‌گاه (آفرینش گیاه) می‌باشد. به نحوی که گاو بهرام، جای خود را با گاو تیر عوض می‌کند. با مقایسه‌ی تصویر شماره‌ی هفت با تصویر فوق، متوجه می‌شویم که همان حالت شیر و گاو تخت‌جمشید و قرار گرفتن پشت گاو در دهان شیر، در تصویر حاکم است. در واقع گهنبار پیته-شهیم‌گاه (آفرینش زمین)، دقیقاً در میانه‌ی سال قرار دارد [بدون احتساب کیسه] و گهنبار ایاسرم‌گاه (آفرینش گیاه) نیز در میانه‌ی سال در تقویم کشاورزی (پایان تابستان بزرگ و شروع زمستان بزرگ) قرار دارد.



تصویر ۱۷. بشقاب ساسانی با نقش خان چهارم بهرام از جنس نقره زرانود، از زمان سده پنجم تا هفتم میلادی، و در کلکسیون آقای جورج اورتیز نگهداری می‌شود. نقش این بشقاب خان چهارم از خان‌های دوازده گانه را نشان می‌دهد. (منبع تصویری: <http://jashnhaz.blogfa.com/1390/10>)



کبیسه و گهنبار همس پت میدیم گاه

کبیسه پایان سال که در فارسی پنجه وه و در پهلوی بهیزک یا هیجک نام داده بودند تا ترتیب روزهای ماه و ماه‌های سال به هم نخورد (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۲۹)؛ ولیکن گاه‌شماری‌ای که در قرون نخست اسلامی به‌منظور گردآوری مالیات به کار می‌رفته است، یک گاه‌شماری قمری بوده که همین شیوه بعدها تقویم رسمی برای امور دنیوی و دینی در نظر گرفته شد (عبداللهی، ۱۳۶۱، ۴۲).

در دوره اسلامی هیچ‌گاه کبیسه‌ها اجرا نشد و در نتیجه، نوروز و سال به سبب عدم محاسبه کبیسه نسبت به فصول، سیر قهقرای پیدا کرد (عبداللهی، ۱۳۸۷، ۲۴۳)؛ به‌طوری‌که در اواخر سده سوم هجری، زمان وصول خراج (تابستان تقویمی) بر زمان کشت محصول (بهار واقعی) منطبق شد (رضازاده، ۱۳۸۰، ۷۵). به دلیل اینکه کبیسه را در ادوار اسلامی حذف کردند، گاه آفرینش انسان در نمادپردازی‌ها باقی نمانده است.

البته در ادوار پیش از اسلام نیز دستوراتی راجع به کبیسه آمده است که بر حذف‌کردن کبیسه از آخر هر سال گواهی می‌دهد.

«اگر وقت کبیسه مملکت مغشوش (در جنگ) بود، از انجام آن صرف نظر می‌کردند و می‌گذاشتند تا دو ماه تمام شود و یکبارہ دو ماه را در دفعه دوم کبیسه می‌کردند یا کبیسه را پیش می‌انداختند؛ چنان‌که در زمان یزدگرد ابن شاهپور (۳۹۹-۴۲۰م) چنین کردند؛ یک سال سیزده‌ماهی گرفتند و آن آخرین کبیسه‌ای بود که در دولت پارسیان انجام گرفت» (بیرونی، ۱۳۷۷، ۷۲). یک بار دیگر نیز در زمان سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه، نوروز به جای اصلی خود بازگشت و آن تاریخ جلالی است. از آن تاریخ به بعد دیگر کبیسه انجام نگرفت و نتیجه این شد که امروز سه تاریخ مختلف در میان زرتشتیان پیروی می‌شود و روشن

است که جای اعیاد مذهبی و گهنبارها تغییر می‌کند (خرده‌اوستا، ۱۳۱۰، ۲۲۲)؛ ازاین‌روی به سبب آنکه کبیسه در تقویم ایرانی و در مرور زمان (چه پیش از اسلام و چه پس از آن) گاهی حذف و از درجه اهمیت ساقط گردید، در نمادپردازی‌های نجومی جشن‌های آفرینش (گهنبارها) به‌عنوان نماد آفرینش انسان، به نمادپردازی‌های قالیچه‌های شیری فارس راه نیافت.

■ نتیجه‌گیری

غالب فرش‌های شیری فارس در پنج صورت نظام یافته‌اند: الف. شیر با خورشید کامل و شمشیری در دست؛ ب. شیر با خورشید نیمه [با شمشیر یا بدون آن]؛ ج. دو شیر در مقابل یکدیگر به همراه نمادی از ناهید؛ د. شیر بزرگ‌تر از گاو یا بز، قرارگرفته در پشت سر وی؛ ه. شیر تنها با شمشیر یا بدون آن. شیرهای این فرش‌ها گاهی با شمشیر تجسم یافته‌اند و گاهی بدون آن. شمشیر نمادی از جنگ است و ترسیم آن در دست شیرها، نمادی از جنگاوری و دلاوری می‌باشد که این صفات با توصیف ایزد بهرام و مهر همسانی تام دارد. پنج نماد موجود در فرش‌های شیری فارس، به سبب ترکیب ایزدان و ایزدبانوان در فرهنگ کهن دینی ایران است و ریشه در جشن‌های آفرینش و هنگام برداشت محصول یا کوچ عشایر دارد. زمان کوچ عشایر (چهل‌وینجمن روز از سال: جشن آفرینش آسمان/ اردیبهشت‌ماه و دویست‌ودهمین روز از سال: جشن آفرینش گیاه/ مهرماه) و هنگامه کاشت یا برداشت محصول (تمامی جشن‌های آفرینش، به‌جز آفرینش انسان) که به لحاظ زمانی مطابق با زندگی کشاورزی و دام‌پروری است. تنها گاه آفرینش انسان است که در زمان کبیسه قرار دارد و در اُفت‌وخیزهای تاریخی ایران مکرراً از تقویم ایرانی حذف یا به آن افزوده گردیده. علاوه بر آن، چون این پنج روز، زمان مناسبی برای کشاورزی یا کوچ نیست، از این بابت

در تقویم جایگاه ناپایداری داشته و نمادی در فرش - های شیری فارس به آن اختصاص ندارد. اصل و بنیاد طرح های شیری فارس، با توجه به صور فلکی اقلیم سوم (فارس) شکل گرفته و در قالب تصویری شیر و گاو قابل شناسایی است. اما نقش شیر و خورشید به اقلیم چهارم (دیگر نقاط ایران) تعلق دارد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که نقش شیر و گاو، از فارس به نواحی دیگر صادر گردیده و نقش شیر و خورشید از نواحی دیگر به فرش فارس ورود یافته است. اما همین نقش شیر و خورشید است که مطابق با الگوی کیهانی شیر و گاو فارس، به صورت یک نماد تصویری اصیل بر بدنه فرش های شیری فارس حلول یافته است. یکی از دلایلی که شیر و گاو را مادر نقش های شیر و خورشید فارس معرفی می کند، در نظر گرفتن تعبیری چون شیر خدا (اسدالله) به حضرت علی (ع) یا ارتباط شیر با حضرت سلیمان (ع) و دانیال نبی (ع) است؛ در صورتی که به دلیل حفظ حرمت بزرگان دینی و تناقض آن با خوربودن فرش، پذیرش چنین تعبیری برای نقش شیر و خورشید فرش فارس ناممکن است؛ لذا یادآوری زمان کاشت و کوچ برای تقویم کشاورزی و دام پروری در قالب جشن های آفرینش، تعبیر معقول تری برای نقش قالی های شیری فارس می باشد.

■ پی نوشت ها

۱. همچنین در وجه اشتراک و مشابهت: این است که به روایت بیرونی مریخ و زهره شبی اند (بیرونی، ۱۳۱۶-۱۳۱۸، ۳۵۹) و عطارد، هم روزی و هم شبی است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۳۷).
۲. به دلیل اینکه زهره در مقام ستاره است و به جهت طبقه بندی های آسمان در دیانت زرتشتی (ستاره، ماه، خورشید) در پست ترین مرحله اهمیت در آسمان قرار دارد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۵)، در هنر عصر هخامنشیان و به طور کلی هنر ایران تصویر نمی شده و فقط نماد زمینی آن، شیر بدون چلیپا، نماینده حضور زهره (ناهید) است. اما در تمدن های کهن، زهره در کنار ماه و خورشید به صورت ستاره هشت پر ترسیم می شده است.

۳. پیدایش احکام نجوم در دوران زرتشت نضج گرفته است (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۲۸).

۴. در بالای کواکب هفت گانه (هفت اقلیم)، یعنی در فلک هشتم، ستارگان بر روی کمربندی که نسبت به صفحه استوای جهانی اندکی تمایل دارد گردش می کنند. این کمربند را ستاره شناسان باستان، منطقه البروج نامیده اند. منطقه البروج به دوازده برج تقسیم می شد که نام برج چهارم/ خروچنگ (سرطان): ۷ ستاره و برج پنجم/ شیر (اسد): ۲۰ ستاره (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۳۴ و ۱۳۵).

۵. خورشید با شیر، همبستگی (ارتباط) بسیار سستی دارد و آن اینکه پنجمین از دوازده برج آسمان، شیر (اسد) است و ویژه خورشید (کسروی، ۲۵۳۶، ۱۰۳).

۶. نسبت دادن روایاتی از برخورد های حضرت علی (ع) و شیر، مناسب ترین موقعیت را برای شبیه سازی شیر و شیر خدا (حضرت علی (ع)) و زنده کردن این سنت به وجود آورده است. در دشت ارژن فارس، بقعه کوچکی هست که آن را قدمگاه حضرت علی (ع) می دانند و به آن شاه سلیمان می گویند و باینکه حضرت علی (ع) هرگز به ایران نیامده اند، به خاطر ارادت خاصی که مردم ایران به ایشان دارند، داستان گرفتار شدن سلمان فارسی به شیر و هویداشدن حضرت علی (ع) و نجات او را در همین محل می دانند (تناولی، ۲۵۳۷، ۲۶). دشت ارژن در منطقه کوهمره فارس - مابین کازرون و شیراز - را یکی از مناطقی دانسته اند که احتمالاً سلمان بدان منسوب بوده است (فسایی، ۱۳۸۸، ۶۷۰؛ ۱۴۳۷ و ۱۴۶۶). داستان گرفتار شیر شدن سلمان در دشت ارژن و یاری دادن امام علی (ع) به او از داستان های مشهور در متون فارسی است. می گویند هنگامی که سلمان در آغاز کار برای یافتن پیامبر (ص) از زادگاه خود، کازرون بیرون آمد، در دشت ارژن با شیری درنده روبه رو شد. درست در لحظه ای که سلمان از جان و زندگی خود قطع امید کرده بود، سواری از دور پیدا شد و او را از خطر نجات بخشید. سلمان سال ها (بلکه قرن ها) بعد به این راز پی می برد که سوار اسرارآمیز کسی نبوده است، جز امام علی (ع) (ترکی، ۱۳۸۷، ۲۷۱). این روایت داستانی که در قرن های هفتم و هشتم رایج بوده، مورد انکار شماری از عالمان بوده، اما کسانی مانند رجب بررسی آن را در مشارق الانوار نقل و از آن دفاع کرده است (مجیب مصری، ۱۳۷۳، ۲۲۶).

۷. در این جشن، ایزد تیر/ تیشتر را به یاری می خوانند تا وی به باریدن باران کمک کند. روایت است که در زمان منوچهر، شاه پیشدادی، چون افراسیاب تورانی بر منوچهر پیروز شد و او را در طبرستان محاصره نمود، طرفین حاضر به سازش شده و قرار بر این شد که از قلعه دماوند، آرش جوان تیری به چله کمان نهد و آن را پرتاب نماید. این تیر در کنار رودخانه جیحون بر درختی نشست و مرز ایران و توران مشخص شد. داستان دیگری نیز



درباره جشن تیرگان آمده است که در زمان ساسانیان و پادشاهی فیروز، هفت سال در ایران خشکسالی روی داد و در چنین روزی مردم روی به بیابان آوردند و با نیایش خود از پروردگار آرزوی باریدن باران کردند و پس از آن بارش باران شروع شد. به شادی آن در چنین روزی ایرانیان به یکدیگر آب می‌پاشند (تقویم زرتشتیان ایران، ۱۳۹۳، ۴). در این جشن به اصل ستایش و بزرگداشت عنصر آب و ایزد تیر توجه می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۶۶).

۸. بهرام دوست نزدیک مهر، خدای خورشید است (پوپ و ارمن، فصل ۳۶: ۱۳۸۷، ۱۰۰۴).

۹. نبرد شیر با گاو در نقوش گرفت و گیر را می‌توان معرف اسطوره کهن نبرد مهر با گاو و دریدن آن و آوردن برکت دانست که این نقش موضوع اساسی در نگاره‌های مهری است (باقری، ۱۳۸۵، ۱۶۰)؛ در نقوش بازمانده از آیین میترا نیز بارها به ارتباط نزدیک شیر با ایزد مهر و ارتباط شیر با سر بریده گاو برمی‌خوریم. شیر در این مسلک اهمیت و اعتبار خاصی داشته و بیشترین قربت را با میترا دارد (پیشین، ۱۷۳).

۱۰. جنگ و پیروزی، نماد بهرام است و در سراسر بهرام‌پشت به آن اشاره شده است. جنگاوری، وجه مشترک ایزد بهرام و

■ فهرست منابع

- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن‌الکریم.
- اوستا/ یشت‌ها: آبان‌یشت، بهرام‌یشت و رشن‌یشت (۱۳۴۷)، گزارش ابراهیم پورداوود، تهران، طهوری.
- خرده‌اوستا (۱۳۱۰ش)، تألیف استاد روانشاد پورداوود، چاپ بمبئی.
- آبادانی، فرهاد (مهر و آبان ۱۳۵۷)، تقویم در ایران پیش از اسلام، نشریه بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۸.
- اخویان، مهدی و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، تحلیل رنگ هاله مقدس در نقاشی دیواری بقاع متبرکه ایران، گنجینه پژوهش، تهران.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، اسطوره، بیان نمادین، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
- اکبرزاده، داریوش (۱۳۹۱)، آثار زرین و سیمین ایران زمین، نشر پازینه، تهران.
- باقری، مهری (۱۳۸۵)، دین‌های ایران باستان، قطره، تهران.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۸۰)، نشان رازآمیز: گردونه خورشید یا گردونه مهر، فروهر، تهران.
- ----- (۱۳۵۱)، گردونه خورشید یا گردونه مهر، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴۰، ص ۶۵ تا ۱۰۰.
- بویس، مری (۱۳۸۱)، آناهیتا، ترجمه زهرا باستی، سروش پیر مغان: یادنامه جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتایون مزدپور، ثریا، تهران.
- بیکرم، هیننگ و ویلی، هانتر و... (۱۳۸۴)، علم در ایران و شرق باستان، همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، نشر قطره، تهران.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷)، آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، امیرکبیر، تهران.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۱۶-۱۳۱۸)، التفهیم لآوائل صناعة التنجیم، تصحیح جلال همایی، چاپخانه مجلس، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و جهانبانی، روح‌انگیز (زمستان ۱۳۸۰ - بهار ۱۳۸۱)، هفت‌اقلیم، جغرافیا/ تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۳ و ۶۴، ص ۱۲ تا ۶۱.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۱)، دایرةالمعارف هنر، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران.
- پرهام، سیروس (بهار ۱۳۷۸)، جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران، نشر دانش، سال شانزدهم، شماره ۱، ص ۴۰ تا ۴۷.

مهر است (حصوری، ۱۳۵۴، ۶۲). علاوه بر آن، خنجر/ شمشیر در قالیچه‌های موسوم به شیری، نمادی از مرد خانواده است که به سفر یا جنگ رفته و استفاده از این قالیچه‌ها در خانه بیانگر حضور معنوی و دائمی مرد خانواده است (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱۵). این بافته‌ها را زنان، هنگامی که مردها در حال جنگ و شکار بوده‌اند می‌بافته‌اند (صلواتی، ۱۳۸۷، ۴۰).

۱۱. از موضوع انطباق ناهید بر تیر، مفهوم استعمال لفظ «تیر» در معنی پاییز برداشت می‌شود که اثر یک گاه‌شماری قدیمی را نشان می‌دهد و بدین ترتیب، خویشاوندی خدای باران از طریق کشاورزی با تیر، به‌خوبی روشن می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۶۲ و ۲۶۳) [شیر ناهید و گاو تیر در فصل پاییز و مهرماه، گهنبار ایاسرم گاه را تشکیل می‌دهند].

۱۲. چلیپا نزد تیره‌هایی از مردم باستان نماد خورشید بوده است؛ اما ستاره هشت‌پر زهره، در سده‌های پسین و دوره تاریخی کم‌کم به چهره گوی بر پشت شیری که مظهر ناهید است، نمودار شده و روزگاری دیگر بر پیرامون گوی پرتوهایی آمده و آنگاه در درازای زمان، یکی از پایه‌های پیدایش نگاره شسیر و خورشید شده است (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۱۴۷).

- پرهام، سیروس (۱۳۷۱)، *دست‌بافته‌های روستایی و عشایری فارس*، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- پوپ، آرتر و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ترکی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *پارسی‌های پارسی، علمی و فرهنگی*، تهران.
- تقویم زرتشتیان ایران (۱۳۹۳)، *چاپخانه راستی*، ایران، تهران.
- تناولی، پرویز (۲۵۳۷)، *قالیچه‌های شیری فارس*، ترجمه سیروس پرهام، بنیاد شهبانو و سازمان جشن هنر، تهران.
- ثمودی، فرح (۱۳۸۷)، *ایزدبانوان در ایران باستان و هند*، آوَرَن، تهران.
- جدی، محمدجواد (۱۳۸۸)، *دانشنامه مهر و حکاکی در ایران*، با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و فرهنگستان هنر و مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی، تهران.
- جلیلود صدقی، شسیدا (۱۳۸۱)، *به سوی سرزمین بی‌بازگشت*، سروش پیر مغان: یادنامه جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتایون مزدپور، ثریا، تهران.
- حصوری، علی (۱۳۵۴)، *اشاراتی به احکام نجوم در ایران پیش از اسلام*، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره چهاردهم، شماره ۱۷، ص ۵۹ تا ۷۲.
- داناسرشت، علی‌اکبر (شهریور ۱۳۵۰)، *ریاضیات ایران در عهد ساسانی*، شماره ۱۳، ص ۶۷ تا ۷۱.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵)، *دین ایران باستان*، ترجمه رؤیا منجم، چاپ اول، انتشارات فکر روز، تهران.
- رنه، فرانس و مارشاک، بوریس (۱۳۸۱)، *اسطوره ننه در هنر سغد*، ترجمه پریسا صمدی، سروش پیر مغان: یادنامه جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتایون مزدپور، ثریا، تهران.
- رضازاده، ملک رحیم (۱۳۸۰)، *زیج ملک*، چاپ اول، انتشارات گلاب، تهران.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۷)، *فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیاها، رسوم و...*، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، انتشارات جیحون، تهران.
- صادقی، ارژنگ (زمستان ۱۳۸۴)، *سابقه پیشگویی رویدادهای طبیعی در ایران با استفاده از نجوم، ادبیات و زبان‌ها در مولوی‌پژوهی*، فصلنامه دانشگاه تربیت‌معلم آذربایجان، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۲۵ تا ۱۴۵.
- صفی‌پور، علی (آذر و اسفند ۱۳۸۸)، *سنجه هفته و گاه‌شماری ایران باستان*، معارف، شماره ۶۹، ص ۳۴ تا ۶۱.
- صلواتی، مرجان (بهار ۱۳۸۷)، *تجلی نماد گردونه خورشید «مهرانه» در قالی‌های ایل قشقایی*، گلجام، شماره ۹، ص ۳۵ تا ۴۸.
- عابد دوست، حسین و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (پاییز ۱۳۸۹)، *سیر تغییر و تحول تقویم در ایران و تحلیل نمادهای کهن گاه‌شماری ایرانی در تقویم‌های رقومی دوره اسلامی*، نگره، شماره ۱۶، ص ۵ تا ۱۷.
- طاهری، علیرضا و حسامی، وحیده (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، *تجلی نقش مایه شیر در قالی‌های دوره صفویه*، نشریه پژوهش هنر، سال اول، شماره ۲، ص ۱ تا ۱۵.
- عبداللهی، رضا (۱۳۸۷)، *تاریخ تاریخ در ایران*، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- عبداللهی، رضا (۱۳۶۱)، *تقویم خراجی*، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۱، ص ۳۷ تا ۵۸.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۵)، *تاریخ علم در ایران*، جلد اول، امیرکبیر، تهران.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۴)، *ایران‌ویج*، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران.
- فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۸)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران.
- فلاح، سیمین (اردیبهشت ۱۳۸۲)، *تقویم ادیان: زرتشتیان*، نشریه اخبار ادیان، شماره ۱، ص ۵۶ تا ۶۱.
- قلعه‌خانی، گلناز (پاییز ۱۳۸۲)، *خورشید در اوستا*، در متون دوره میانه و در هند، مجله مطالعات ایرانی، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی دانشگاه باهنر کرمان، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۶۹ تا ۱۹۴.
- کارنوی، ا. جی. (۱۳۴۱)، *اساطیر ایرانی*، ترجمه احمد طباطبایی، چاپ اول، انتشارات آپیکو، تهران.
- کسروی، احمد (۲۵۳۶/ چاپ اول: ۱۳۵۲)، *کاروند کسروی: مجموعه ۱۸ رساله و گفتار*، به کوشش یحیی ذکاء، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران.
- گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، *هنر ایران (در دوره پارتی و ساسانی)*، ترجمه بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.



- گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، هنر ایران (در دوران ماد و هخامنش)، ترجمه عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ماسون، میخائیل یوگنیویچ و پوگاچنکووا، گالینا آناتولینا (تایستان ۱۳۸۴)، ریتون‌های/اشکانی‌نسا، جلد دوم: تفسیر نقوش ریتون‌ها، ترجمه رؤیا تاج‌بخش، شهرام حیدرآبادیان، انتشارات بازتاب اندیشه، همدان.
- مجیب مصری، حسین (۱۳۷۳)، سلمان فارسی در ترازوی ادب و تحقیق، ترجمه حسین یوسفی آملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- محمودی، خیرالله (بهار ۱۳۸۴)، جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۲، ص ۱۴۹-۱۶۲.
- مقدم، محمد (۱۳۸۸)، جستاری درباره مهر و ناهید، نشر هیرمند، تهران.
- موسوی‌لر، اشرف‌السادات و رسولی، اعظم (تابستان ۱۳۸۹)، بررسی نموده‌های اساطیری خورشید و مهر در فرش دست‌باف ایران، گلجام، شماره ۱۶، ص ۱۱۱ تا ۱۳۱.
- نوری، احمد (بهمن و اسفند ۱۳۷۸)، نشان شیر و خورشید، فروهر، شماره ۴۳۱، ص ۳۶ تا ۳۹.
- وارنر، رکس (۱۳۸۶)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، اسطوره، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، فرهنگ معاصر، تهران.
- M. Golfer, Jorgensen, (1986), *Medieval Islamic Symbolism and the painting in the Cefalù Cathedral*, Leiden, E. J. Brill.
- <http://jashnhaz.blogfa.com/1390/1>